

تیم های بزرگ حوصله تازه‌کارها را ندارند

ترجمه: نوید سراف

این روزها همه تیم‌های جهان به دنبال کشف «پپ گواردیولا» جدید برای خود هستند اما واقعیت تلخ اینجاست که این «رویایی» بزرگ و البته اغلب سرابی پوچ است؛ اینکه شما یکی از اسطوره‌های تیم که در ابتدای راه مربیگری قرار دارد را به چشم «آینده باشگاه» ببینید، او را یک سال در تیم دوم باشگاه محک زنید، به او یک شغل عالی پیشنهاد کنید و بعد ببینید که او با یک تیم متشکل از بازیکنان آکادمی، تیم اصلی را متحول کرده، لیگ را به زیر کشیده و جام قهرمانی اروپا را به کلکسیون افتخارات باشگاه افزوده است. رویایی است، نه؟ اما چقدر فکر می‌کنید چنین رویایی در نیای واقعی می‌تواند نفس بکشد؟ چقدر احتمال می‌دهید که بتوانید چنین چیزی را تجربه کنید؟ با این وجود همگان می‌دانند در صورت دستیابی به چنین گنج ارزشمندی، برای سال‌ها می‌توانند در ناز و نعمت چنین گنجی، آسوده سر بر بالین بگذارند. به همین دلیل است که بسیاری از تیم‌های بزرگ به بازیکنان سابق خود – که تجربه مربیگری محدودی دارند یا اصلا تجربه‌ای در کارنامه خود نمی‌بینند – روی آورده‌اند؛ پیونتوس با «آندرهآ پیرلو»، چلسی با «فرانک لمپارد» و آرسنال با «میکل آرتتا». این پرورش دادن یک رویای استثنایی است که زیربنای آن بر پایه «حمایت تمام قد و تمام عیار باشگاه» ساخته می‌شود. در واقع در صورت فقدان این فاکتور مهم، مربی‌های جوان، به جای احساس امنیت، هر لحظه خود را در آستانه اخراج خواهند دید و شب‌ها به کابوسی تمام‌شدنی برایشان تبدیل خواهد شد.

اما مشکل همه تازه‌کارها و چهره‌های جدید یکسان است؛ اگرچه این احتمال وجود دارد که آنها به دلیل اینکه اکثر روزهای زندگی خود را در فوتبال گذرانده‌اند، ایده‌هایی جالب و نویی برای ارائه داشته باشند ولی در اصل آن‌ها با حضور روی نیمکت مربیگری، روی صندلی‌های آموزشی جدیدی می‌نشینند و این کار را در مقابل دید میلیون‌ها بیننده انجام می‌دهند؛ این چهره‌ها، سابقه سال‌ها حضور در رختکن و زمین تمرین را در کارنامه خود می‌بینند، با بسیاری از مربیان و مدیران کار کرده‌اند و ایده‌هایی درباره اینکه چه تفکرات و سیاست‌هایی می‌تواند به موفق برسد و کدام یک محکوم به شکست هستند در ذهن خود دارند. چهره‌هایی که آگاهند چه فاکتورهایی به بازیکنان انگیزه می‌دهد و چه المان‌هایی باعث تضعیف روحیه آنها می‌شود. با تمام این اوصاف فراموش نکنید که حتی اگر دانش‌آموز خوبی باشید دلیل بر این نیست که بعداً تبدیل به معلم خوبی هم شوید!

به این بیاندیشید اگر اوضاع برای این چهره‌های تازه‌کار خوب پیش نرود، چه خواهد شد؟ این اشخاص هیچ تجربه‌ای ندارند که در چنین موقعیتی از آن بهره جویند. پس کاملاً طبیعی‌ست که در صورت گرفتاری در این شرایط مایوس‌آمیز، اعتماد به نفسشان را از دست داده



و در مرحله بعد شروع به قضاوت خود و قیاس با سایرین کنند. وقتی «میکل آرتتا» در تصمیمی ناگهانی «پیر امریک اوبامیانگ» را در میانه مسابقه به زمین فرستاد تا با دستپاچگی شروع به محافظت پیروزی تیمش کند، مشخص است که در چه باثاقی گرفتار شده.

البته که این مشکلات در نهایت تبدیل به تجربه می‌شوند، تجربه‌ای که بزرگان فوتبال دنیا پیشتر در تیم‌هایی متفاوت به دست آورده؛ «هربرت چاپمن» در «تورهمتون»، «آرگئو ساکی» در «فوسینانو» و «سر الکس فرگوسن» در «استیرلینگشایر شرقی». تفاوت اینجاست که در آن زمان اختلاف سطح بین تیم‌های قدرتمند و ضعیف هیچوقت مثل عصر فعلی زیاد نبوده. زمانی که هدایت این تیم را بر عهده گرفت، یونایتد در بیش از ۳۰ سال حضور در سطح نخست فوتبال انگلیس، تنها دو بار تجربه قهرمانی در لیگ را به دست آورده بود. به بیانی ساده‌تر می‌توان گفت که در آن زمان یک مربی الهام‌بخش می‌توانست یک تیم متوسط را تبدیل به قدرتی بزرگ در کشور کند.

اکنون به یک تیم در مسابقات «چمپیونشیپ» نگاه کنید؛ سطح تیم‌های حاضر در این لیگ در عصر فعلی قابل مقایسه با لیگ برتر نیست. در چمپیونشیپ مربی با بازیکنانی سر و کار خواهد داشت که از نظر کیفی بسیار پایین‌تر از بازیکنان حاضر در سطح نخست هستند اما هیچکدام از اینها اهمیتی ندارد چرا که عدم صعود به لیگ برتر برای مربی، یک شکست محسوب می‌شود. فرض کنید که صعود محقق شد؛ آیا با بودجه محدود چنین



تیم‌هایی، می‌توان به تداوم حضورشان در سطح نخست امیدوار بود؟ پاسخ را هم شما می‌دانید هم ما. در نهایت اتفاقی اجتناب‌ناپذیر رخ خواهد داد؛ سقوط رقم می‌خورد و آقای مربی یا مانند «دی هاو» سرمربی سابق بورنموث فراموش خواهد شد یا در بهترین حالت توانایی‌هایش به شدت زیر سوال خواهد رفت. می‌خواهید خوشبینانه به ماجرا بنگرید؟ رویایی‌ترین سناریو تداوم حضور در لیگ برتر است که در آن صورت نیز همچون «شان دایچ» یا «سم آلاردیس» تنها برای پروژه‌های کوتاه‌مدت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

برای درک بهتر این موضوع باید بدانید که فعالیت تحت یک بودجه محدود و ناچیز در بازار فعلی، ارتقاع سطح کیفی پایین بازیکنان به سطحی در حد و اندازه‌های لیگ برتر جهت رقابت با غول‌های قدرتمند، توانایی کنترل غرور بازیکنان و مدیریت حواشی پیرامون ستاره‌های تیم، برنامه‌ریزی دقیق جهت حملات پربار بدون بهره‌مندی از ستاره‌های نامدار خط آتش جهان، افزایش سازماندهی دفاعی به توجیه به عدم برخورداری از مدافعین سطح اول جهان در ترکیب و مهم‌تر از همه جلب رضایت هواداران و مدیران باشگاه با وجود همه نواقص، تنها گوشه‌ای از مشکلات پیش روی مربیان جوان در تیم‌های کوچک است. مشکلاتی که قطعا برای حل آنها نیاز به تجربه‌ای زیاد دارید.

حالا فرض می‌کنید یک مربی کم‌تجربه با چه مشکلاتی در تیم‌های بزرگ روبرو خواهد شد؟ نمی‌دانید؟ فکر می‌کنید مشکلات کمتر است؟ برای پی بردن به پاسخ این سوال کافی‌ست به مصاحبه یکی از مدیران تیم منچسترستی در سال ۲۰۱۱ مراجعه کنید که گفته بود «سبتیزن‌ها باید بلافاصله پس از صعود به لیگ برتر در سال ۲۰۰۰، جو روبل را برنکار می‌کرد. شما کسی که یک مغازه کوچک اداره می‌کند را به عنوان مدیر یک شرکت چندملیتی



انتخاب نمی‌کنید.»

در این بین یک راهکار دیگر هم وجود دارد؛ اینکه مربیان جوان راهی کشورهای دیگر شوند؛ کاری که اکنون «استیون جرارد» انجام داده اما همین تاکتیک در مورد «گری نویل» در والنسیا جواب نداد. البته این موضوع، پیچیدگی کار در یک فرهنگ متفاوت را نیز به همراه دارد و شاید تجربیاتی که کسب می‌کنید مستقیما در بازگشت به لیگ برتر قابل استفاده نباشند. گزینه جایگزین می‌تواند این باشد که همانند «میکل آرتتا» در منچسترسیتی تجربیات عملی که در عنوان دستیار زیر نظر یک سرمربی بزرگ کسب کنند. مزیت این روش در آن است که مربیان جوان هرگز تصمیم‌گیرنده نهایی نیستند و به همین دلیل زیر تیغ تیز انتقادات قرار نخواهند گرفت. به این ترتیب هر اتفاقی که در تیم رخ دهد، همواره تجربیات خوبی را در چننه مربیان جوان می‌گذارد. ضمن اینکه با حضور در کنار یک نام بزرگ، فرآیند آموزش و یادگیری نیز به بهترین شکل دنبال خواهد شد.

با تمام این اوصاف اما فراموش نکنید که ما در یک دنیای کم‌تحمّل زندگی می‌کنیم؛ دنیایی که در آن با تفکرات کسی که ممکن است بتواند اشتباهات را درست کند، مقابله می‌شود و «قربانی کردن» افراد به «رشد تدریجی» ترجیح داده می‌شود. از این رو است که اخراج مربی پس از دیدن اولین نشانه‌های مشکل به عنوان طبیعت فوتبال مدرن پذیرفته شده است.

این دقیقا به چه مناسبت؟ هدف از همه این حرف‌ها چیست؟ می‌خواهیم به شما بگوییم که ساختار مالی فوتبال مدرن، ایده پیشرفت مداوم را غیرممکن کرده و افراد کمی وجود دارند که برای اولین تجربه سرمربیگری در یک باشگاه بزرگ، از آمادگی کافی برخوردار باشند. گواردیولا یک مورد ایده‌آل است اما در عین حال یک نمونه نادر.

تیم های بزرگ حوصله تازه‌کارها را ندارند

ترجمه: نوید سراف

این روزها همه تیم‌های جهان به دنبال کشف «پپ گواردیولا» جدید برای خود هستند اما واقعیت تلخ اینجاست که این «رویایی» بزرگ و البته اغلب سرابی پوچ است؛ اینکه شما یکی از اسطوره‌های تیم که در ابتدای راه مربیگری قرار دارد را به چشم «آینده باشگاه» ببینید، او را یک سال در تیم دوم باشگاه محک زنید، به او یک شغل عالی پیشنهاد کنید و بعد ببینید که او با یک تیم متشکل از بازیکنان آکادمی، تیم اصلی را متحول کرده، لیگ را به زیر کشیده و جام قهرمانی اروپا را به کلکسیون افتخارات باشگاه افزوده است. رویایی است، نه؟ اما چقدر فکر می‌کنید چنین رویایی در نیای واقعی می‌تواند نفس بکشد؟ چقدر احتمال می‌دهید که بتوانید چنین چیزی را تجربه کنید؟ با این وجود همگان می‌دانند در صورت دستیابی به چنین گنج ارزشمندی، برای سال‌ها می‌توانند در ناز و نعمت چنین گنجی، آسوده سر بر بالین بگذارند. به همین دلیل است که بسیاری از تیم‌های بزرگ به بازیکنان سابق خود – که تجربه مربیگری محدودی دارند یا اصلا تجربه‌ای در کارنامه خود نمی‌بینند – روی آورده‌اند؛ پیونتوس با «آندرهآ پیرلو»، چلسی با «فرانک لمپارد» و آرسنال با «میکل آرتتا». این پرورش دادن یک رویای استثنایی است که زیربنای آن بر پایه «حمایت تمام قد و تمام عیار باشگاه» ساخته می‌شود. در واقع در صورت فقدان این فاکتور مهم، مربی‌های جوان، به جای احساس امنیت، هر لحظه خود را در آستانه اخراج خواهند دید و شب‌ها به کابوسی تمام‌شدنی برایشان تبدیل خواهد شد.

اما مشکل همه تازه‌کارها و چهره‌های جدید یکسان است؛ اگرچه این احتمال وجود دارد که آنها به دلیل اینکه اکثر روزهای زندگی خود را در فوتبال گذرانده‌اند، ایده‌هایی جالب و نویی برای ارائه داشته باشند ولی در اصل آن‌ها با حضور روی نیمکت مربیگری، روی صندلی‌های آموزشی جدیدی می‌نشینند و این کار را در مقابل دید میلیون‌ها بیننده انجام می‌دهند؛ این چهره‌ها، سابقه سال‌ها حضور در رختکن و زمین تمرین را در کارنامه خود می‌بینند، با بسیاری از مربیان و مدیران کار کرده‌اند و ایده‌هایی درباره اینکه چه تفکرات و سیاست‌هایی می‌تواند به موفق برسد و کدام یک محکوم به شکست هستند در ذهن خود دارند. چهره‌هایی که آگاهند چه فاکتورهایی به بازیکنان انگیزه می‌دهد و چه المان‌هایی باعث تضعیف روحیه آنها می‌شود. با تمام این اوصاف فراموش نکنید که حتی اگر دانش‌آموز خوبی باشید دلیل بر این نیست که بعداً تبدیل به معلم خوبی هم شوید!

به این بیاندیشید اگر اوضاع برای این چهره‌های تازه‌کار خوب پیش نرود، چه خواهد شد؟ این اشخاص هیچ تجربه‌ای ندارند که در چنین موقعیتی از آن بهره جویند. پس کاملاً طبیعی‌ست که در صورت گرفتاری در این شرایط مایوس‌آمیز، اعتماد به نفسشان را از دست داده

رئیس اداره انبار برق غرب؛

ساماندهی تجهیزات و آماده‌سازی آن‌ها و تعریف سازه‌ها برای نگهداری استاندارد از

تجهیزات به روش نوین در انبارهای شرکت برق منطقه‌ای غرب



کالا، تفکیک و جداسازی و آماده‌سازی نبشی‌های انبار اسقاط به میزان ۳۰۰ تن برای استفاده در پروژه‌های مختلف شرکت، اشاره کرد.

رئیس اداره انبارهای برق غرب خاطرنشان ساخت: خوشبختانه با اصول صحیح انبارداری و با استفاده از ابزارها و نرم‌افزارهای اطلاعاتی؛ شرایط دریافت، استقرار، حفاظت و در دسترس قرار دادن کالاها به‌منظور تأمین نیازها، جلوگیری از سفارشات اضافی و تکراری، تهیه بانک اطلاعاتی مسود نیاز مدیران در زمینه میزان موجودی‌ها و مصارف کالاها در هر زمان به‌نحو مناسب، تسهیل شده است. وی افزود: تدوین دستورالعمل‌های

در تشریح عملکرد شش ماهه اداره انبارها؛

بهره‌برداری کامل از سیستم مکانیزه انبارداری و به‌روزرسانی آن در شرکت برق منطقه‌ای غرب

از رکود سرمایه و رسوب کالاها در انبار و پاسخگویی به نیاز واقعی شرکت، تعادل بین فرایند تهیه کالا‌های مورد نیاز، میزان اقلام و همچنین زمان مناسب تهیه اقلام انبار برقرار خواهد شد.

وی همچنین در خصوص تخصصی بودن انبارهای شرکت با اشاره به ضرورت رعایت اصول انبارداری از مهمترین اهداف این بخش را تهیه اقلام و کالا‌های مورد نیاز، برحسب میزان مصرف کالا‌ها و زمان مناسب تهیه آنها عنوان کرد و گفت: تعادل بین این سه هدف نقش مؤثری در جلوگیری از راکد شدن و رسوب کالا‌ها و سرعت درخدمات‌رسانی خواهد داشت.

وی با اشاره به اینکه جهت گیری انبار شرکت به سمت مدیریت هزینه‌ها و صرفه‌جویی خواهد بود، افزود: تهیه دستورالعمل‌های خروج کالا از انبار‌های بهره‌برداری و برگشت کالا به انبار مازاد و بازنگری دستورالعمل جابه‌جایی، انبارش، بست‌بندی و نگهداری کالا جهت تسهیل در امور انبار‌ها را می‌توان از اقدامات مدیریت هزینه‌ها و صرفه‌جویی ذکر کرد.

فرزایی در ادامه گفت: با توجه به تکالیف ابلاغی و برنامه‌های

اخبار

درگیری زلاتان و لوکاکو بر سر اینکه کدام‌یک بهترین است

جنگ پادشاهی

درگیری دو هم‌تیمی سابق در دربی حساس میلان یکی از مهم‌ترین اتفاقات این دیدار مهم در جام حذفی ایتالیا بود که درنهایت با اخراج زلاتان ابراهیموویچ و شکست روسونری همراه بود. روملو لوکاکو و زلاتان، مهاجمان دو تیم در اواخر نیمه نخست با هم درگیر شدند که داور بازی به هر دوی آنها کارت زرد نشان داد. جدل این دو بازیکن حتی به توتل ورزشگاه هم کشیده شد و با شروع نیمه دوم زلاتان که تک‌گل میلان در نیمه نخست را به ثمر رسانده بود کارت زرد دوم را هم گرفت و از بازی اخراج شد تا اینتر از این فرصت استفاده کرده و درنهایت با زدن دو گل راهی مرحله بعد این مسابقات شود.

اتهام جادوگری

درگیری این دو تنها مربوط به این مسابقه نیست و سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد. جدالی که شاید بر سر این موضوع باشد که چه کسی پادشاه شهر میلان است. در فوریه سال ۲۰۲۰ اینتر توانست باز هم در دربی برابر همشهری خود کامبک کرده و بازی ۲ بر صفر باخت‌ه را ۴ بر ۲ برود. لوکاکو در آن دیدار موفق به گلزنی شد و سپس در صفحه اجتماعی‌اش نوشت: «حالا پادشاه جدیدی در شهر حضور دارد.» مسلمان چنین صحبت‌هایی برای هم‌تیمی سابق او در منچستر یونایتد اصلا خوشایند نبود. بازیکنی که خصوصیات اخلاقی منحصره‌فردی دارد و همواره خود را بالاتر از دیگران دانسته است. تمجیدهایی که زلاتان از خود داشته همیشه سوزۀ فضای مجازی بوده است و به همین دلیل است که دوست ندارد کسی خود را بالاتر از او ببیند. بازگشت این ستاره سوندی به میلان از سوی خودش به‌عنوان بازگشت شاه تعبیر شد و او که خودش را بهترین شماره ۹ دنیا می‌داند دوباره به ایتالیا برگشت تا دوران موفقش در این تیم را تکرار کند. پست لوکاکو برای او به معنای آغاز یک جنگ لفظی بود و زلاتان تا دربی بعدی منتظر ماند تا بتواند پاسخی مناسب به ستاره بلژیکی رقیب بدهد.تقابل دو تیم در اکتبر ۲۰۲۰ پایان متفاوتی داشت و این بار میلان پس از ۵ مسابقه موفق شد در دربی دلامادونینا به برتری برسد. بازی ۲ بر یک به اتمام رسید و هر سه گل را این دو بازیکن به ثمر رساندند. حالا فرصت مناسبی برای انتقام بود و سته ۳۹ ساله به سراغ صفحه اینستاگرامش رفت و نوشت: «میلان هیچ‌گاه پادشاه نداشته است، آنها خدا دارند.» حالا این جنگ به نقطه حساس خود رسیده بود و حرف‌های کوچیک در دربی بعدی می‌توانست منجر به طوفان شود. اتفاقی که سمنشینش شد در این دیدار رخ داد و دو بازیکن را مرز درگیری فیزیکی هم پیش رفتند. در طول بازی در هر صحنه‌ای که دو تیم صاحب ضربات ایستگاهی یا کرنر می‌شدند، مشخص بود که دو بازیکن و به‌خصوص زلاتان در گوش لوکاکو حرف‌هایی را مطرح می‌کند که درنهایت باعث شد تا این بازیکن کنترل خود را از دست بدهد و واکنشی تند نشان دهد. داور به هر دو بازیکن کارت زرد نشان داد و در تصاویر تلویزیونی مشخص بود که هر دو طرف الفاظ بسیار رشتی را خطاب به هم به‌کار می‌برند. زلاتان حتی به او لقب جادوگر داد که برخی آن را واکنشی نژادپرستانه از سوی او عنوان کردند اما ظاهرا این موضوع پیشینه دیگری دارد و مربوط به داستان جدایی او از اورتنو است. فرهاد مشیری، مالک کنونی باشگاه اورتنو در ژانویه ۲۰۱۸ در گفت‌ووبی درباره علت جدایی لوکاکو از این تیم گفت‌ه بود او پس از مشورت با یک جادوگر تصمیم گرفت راهی چلسی شود. بعدها البته این مهاجم بلژیکی این داستان‌ها را تکذیب و تهدید کرد که از مشیری شکایت خواهد کرد. زلاتان هم البته پس از این مسابقه هرگونه توهین نژادپرستانه به بازیکن حریف را تکذیب کرد و گفت اصلا چنین نیتی نداشته است.

شرط عجیب زلاتان

این حسادت عجیب بین دو بازیکن این روزها اوج گرفته است و هر یک به دنبال اثبات این مدعا هستند که بهترین شماره ۹ سری A هستند و می‌توانند به تنهایی باعث موفقیت تیم‌های خود در این فصل شوند. از سوی دیگر دشمنی دیرینه دو تیم در فوتبال ایتالیا سبب شده تا این جنجال بسیار جدی‌تر شود و کار حتی به توهین‌های شدیدتر هم کشیده شود. لوکاکو حتی به خانواده ابراهیموویچ نیز فحاشی کرد و اگر دخالت بازیکنان دو تیم نبود شاید در همان صحنه هر دو بازیکن اخراج می‌شدند. این دو ستاره فوتبال زمانی در منچستر یونایتد هم‌تیمی بودند و زیر نظر ژوزه مورینیو بازی می‌کردند. در آنجا هم ظاهرا رابطه چندتا خوبی بین آنها حاکم نبوده است. داستان پیشنهاد زلاتان برای شرط‌بندی روی هر کنترل توپ موفق‌ی که لوکاکو در زمین دارد برای این بازیکن که ۱۲ سال از هم‌تیمی سوندی‌اش کوچک‌تر بود به نوعی توهین‌آمیز تلقی می‌شد. ابراهیموویچ در گفت‌ووبی با گائزتا دلواسپورت جریان این پیشنهاد را افشا کرده بود: «می‌توانم درباره لوکاکو این را بگویم که انتظار تکنیک بالا را از او نداشته باشید. تنها نقطه قوت بازی او قدرت بدنی بالایش است. زمانی در منچستر یونایتد به او گفتیم که بیا شرط ببندیم که برای هر کنترل خوبی که داشتی به تو ۵۰ پوند بدهم و او گفت اگر همه شرط‌بندی‌های موفق بود آن وقت چه چیزی می‌برم؟ می‌خواستم به او انگیزه بدهم که به بازیکن بهتری تبدیل شود البته این را هم باید بگویم که درنهایت این شرط را نپذیرفت. شاید از باختن می‌ترسید.» زلاتان همیشه مشغول انجام بازی‌های ذهنی است و دوست دارد هم‌تیمی‌هایش را به چالش کشیده و آنها را به بازیکنان بهتری تبدیل کند. اتفاقی که بارها طی این سال‌ها در تیم‌های مختلف افتاده و تقریباً تمامی هم‌تیمی‌هایش با رفتارهای او آشنا هستند. لوکاکو هم پیش از این درباره هم‌تیمی سابقش چنین گفته بود: «یادم هست در یکی از تمرینات منچستر یونایتد در دو تیم مختلف قرار داشتیم چون هر دوی ما مهاجم بودیم. در یک نبرد بر سر صاحب توپ او با تمام قدرت روی پای من آمد و همانجا بود که فهمیدم چقدر چنگنده است و برای حفظ جایگاهش در تیم و همچنین قرار گرفتن در ترکیب اصلی مصمم است. او همیشه به دنبال نبرد و تلاش بود و همین روحیه‌اش باعث شد تا من هم پیشرفت کنم.» این روزها اما دیگر از این فضای احساسی و دوستانه خبری نیست و دو بازیکن حتی دو آستانه نفرت از هم نیز پیش گرفته‌اند. این داستان در اینجا به اتمام نخواهد رسید و قطعا تا زمانی که هر دو در تیم‌های همشهری حضور دارند، ادامه خواهد داشت. اینپروند بعدی این داستان حدود یک ماه دیگر و در دربی بعدی دلامادونینا که روز ۲۱ فوریه برگزار می‌شود، اکران خواهد شد.

ساماندهی انبارهای شرکت برق منطقه‌ای غرب در راستای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری



رله قبلی، ابراز داشت: نصب سیستم اعلام حریق و سرقت در سوله‌ها، ایجاد فضای مناسب برای انبار بحران، انتقال محل پارکینگ انبار به ورودی انبار و محل استقرار نگهبانی شرکت برای افزایش امنیت انبار و نصب سیم خاردار در اطراف دیوار محوطه مجتمع انبار‌ها برای جلوگیری از سرقت تجهیزات و کالا‌های موجود در انبار از دیگر اقدامات اداره انباره است.

مدیر امور تدارکات و قراردادهای شرکت برق منطقه‌ای غرب از اقدامات مهم این اداره گفت: شرکت در راستای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری شدند. وی افزود: از بین تیرهای چوبی برگشتنی از پروژه‌های مختلف که در انبار اسقاط انبارش شده بود، تعداد ۲۰۰ عدد تیر چوبی ۱۲ متری قابل استفاده تفکیک و به انبار بحران انتقال داده شد.

خاموشی با اشاره به اینکه مقادیری از قطعات و یراق‌آلات مورد نیاز برای استفاده از تیرهای مذکور در مواقع بحرانی از جمله کنسول، مقرره، اتصالات و... در انبار بحران انبارش شده خاطرنشان ساخت: استفاده از آهن‌آلات اسقاطی برای ایجاد جایگاه مناسب به‌منظور استقرار و انبارش سی‌تی‌های ۲۳۰ کیلوولت به‌صورت عمودی برای جلوگیری از بروز مشکل عایق داخلی با حداقل هزینه و ریسک بالا جایبایی انجام شد.

وی در ادامه با اشاره به استفاده بهینه از اقلام اسقاط انبار در ایجاد و توسعه اتاق رله در محوطه سوله بهره‌برداری با حداقل هزینه و ایجاد فضای مناسب با توجه به حجم زیاد و تراکم و انباشتگی تجهیزات با ارزش در اتاق جلسه کمیته پدافند غیرعامل و مدیریت بحران با هدف پیشگیری از سرقت تجهیزات خطوط انتقال و فوق‌توزیع در شرکت برق منطقه‌ای غرب برگزار شد.

مهندس علی اسدی مدیرعامل این شرکت با اشاره به اهمیت جلوگیری از سرقت تجهیزات

شبکه برق گفت: یکی از مهمترین دغدغه‌های این شرکت در نظر گرفتن تمهیدات لازم برای کاهش سرقت تجهیزات و دکل‌های برق فشارقوی در سطح شبکه است، تا علاوه بر کاهش خسارات

مادی و معنوی از خاموشی‌های بدون برنامه و در نتیجه نارضایتی مردم جلوگیری شود.

مهندس اسدی با اشاره به طول خطوط شبکه

برگزاری مراسم تقدیر از دست‌اندرکاران اجرای

موفق مانور تمرینی –آموزشی جنوب‌غرب کشور در

شرکت برق منطقه‌ای غرب

برق در غرب کشور اظهار داشت: یکی از مهمترین مسائلی که تا به امروز موجب بروز خسارت و وارد کردن زیان‌های مادی و معنوی به شرکت و ایجاد مشکلاتی برای مشتریان کرده است، سرقت از تجهیزات شبکه برق است که باعث ناپایداری شبکه می‌شود.

وی افزود: ایجاد خاموشی و قطع برق، مختل شدن خدمت‌رسانی دستگاه‌های خدماتی به مردم، اختلال در نظم و آسایش عمومی جامعه و ایجاد خسارت‌های فراوان اقتصادی به صنعت برق و شهروندان از جمله مشکلاتی است که در اثر سرقت تجهیزات شبکه‌های انتقال و فوق‌توزیع برق ممکن است به وجود آید.